

شرح دعای ابوسعزة تاملی

آیت الله ایزدی نجف آبادی

۲- اینکه نجات از خطراتی که در این جهان پرحوادث ممکن است، بهرکسی رو آورد، بجز بوسیله ذات خداوندی میسر نیست و همچنین رهائی از آثار شوم دنیائی و آخرتی اعمال زشت و ناروا بجز شمول رحمت و عنایت الهی ممکن نخواهد بود.

ابتدا راجع به خیر و اینکه فقط از ناحیه او است: اولاً در باره واژه و لغت خیر آنچه باید گفت این است که (بر حسب گفته اهل تحقیق از فلاسفه یا غیر آنها) مفهوم «خیر» که معمولاً می گویند «ضد شر» است، مفهومی است بدیهی و واضح و نیازی به فکر و تأمل در بدست آوردن این مفهوم نیست؛ تنها اگر اشکالی باشد در این است که در عالم خارج از ذهن یعنی عالم واقعیت و هستی روی چه اموری می توان انگشت گذاشت و آنها را بعنوان مصداق خیر شناخت و نام برد که در رابطه با این مطلب «ثنویته» اشتباه بزرگی مرتکب شده اند که برای عالم هستی دو مبده و دو اصل قائل شده اند یکی بنام یزدان که خالق خیرات است و دیگری اهریمن که خالق شرور است و چنین پنداشته اند که خیرات یک صف از موجودات است مثل خورشید و آب و نور و صف شرور هم صف دیگر موجودات است چون درندگان و گزندگان.

در هر صورت در اینجا است که محققین از فلاسفه می فرمایند از آنجائی که خاصیت خیر این است که همواره خواستی و دوست داشتنی است لذا همه کس و همه چیز چه از روی شعور و علم و چه بالطبع خواهان آن هستند همچنانکه راغب در مفردات گوید:

«الخير ما يرغب فيه الكل كالعقل مثلاً والفضل والعدل والشيء النافع»

یعنی: خیر چیزی است که همه کس در او رغبت دارد مثل عدالت و عقل و فضل و اشیاء سودمند.

و با در نظر گرفتن اینکه هر موجودی وجود و هستی خود و کمالات خود را خواهان است و از نیستی خود و نبود کمال خود گریزان است پس مصداق خیر در عالم هستی وجود و کمالات وجودی است و همه اسباب و وسائلی که سبب رشد و تکامل موجودات می گردند همه خیرند و بعضی از اهل لغت نیز گفته اند:

«الخير حصول الشيء على كماله».

«مَنْ آتَى لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمَنْ آتَى لِي النَّجَاةَ وَلَا تَسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ».

پروردگارا! از کجا برای من خیر است و حال اینکه خیری یافت نمی شود مگر از پیش تو و از کجا برای من نجات و رهائی هست با اینکه بغیر وسیله تو نجاتی امکان ندارد.

خیر، فقط از سوی خدا است

در این دو جمله از دعا اقرار به دو مطلب توحیدی (البته توحید افعالی) می باشد:

۱- اینکه خیری بهر کس و بهر چیز برسد همه از ناحیه ذات مقدس پروردگار، نشأت گرفته و می گیرد.



نَجِيكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا»^۱

یعنی: هنگامی که شما را در دریا گرفتاری فرا می گیرد هر چه که بجز خدا بود و او را می خواندید از نظرتان گم می شود ولی همینکه شما را بخشکی رساند و نجات داد (از خدا) رو می گردانید و همیشه این انسان، ناسپاس بوده است.

ولی ما غفلت داریم از اینکه اگر امر و اراده خداوندی براین قرار گیرد که ما هلاک شویم کوه هم نمی تواند ما را پناه دهد همچنانکه حضرت نوح به فرزندش فرمود:

«لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ»^۲

یعنی: امروز دیگر پناه و پناهگاهی از امر خدا نیست جز اینکه خدا کسی را رحم کند.

و همچنین ممکن است در عین اینکه از خطر امواج دریا به خشکی پناه ببریم در اثر زلزله یا فرورفتگی زمین زیرزمین و آوار هلاک شده یا بادهای شن آور ما را زیر توده های شن روان دفن کند همچنانکه در سوره بنی اسرائیل بدنبال آیه فوق می فرماید:

«أَفَأَمِنتُمْ أَنْ تَخِيفَ بَكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا...»^۱

یعنی: آیا درامانید از اینکه خداوند در ناحیه خشکی شما را زیرزمین پنهان کند (در اثر فرورفتگی زمین) یا بر شما تندباد شن آور بفرستد.

بطور سربسته باید از این معنا غفلت نکنیم که جهان ماده را هم از نظر عقل نباید مورد اعتماد قرار داد و به آن تکیه کرد بحکم اینکه جهان ماده است و عالم مزاحمات است که بقول شاعر می گویند:

«جهان ریاض خرابی است برگزیده سبیل».

و نیز در چنگ قدرت حق و زیر سلطه خداوند است که هر لحظه ممکن است همانجائی که ما به آن پناه برده ایم و همان چیزی که ما برای حفظ خودمان به آن دل گرم کرده ایم از ناحیه ای که ما از آن غفلت داشته ایم و از ما غیب و پنهان بوده است به امر خداوند پیشامدی پیش آمده و پناهگاه ما مدفن ما گردد.

در آخر به این نتیجه می رسیم که در عین اینکه ما باید برای حفظ و نجات خودمان از گرفتاریها و پیشآمدها و پیشگیری از ناگواریها دست بدامن اسباب که خداوند قرار داده بشویم ولی

یعنی: خیر ظفر یافتن هر چیز بر کمالات او است. بعد از آنچه در معنای خیر گفته شد، مطلب اول این دو جمله دعا که اقرار به این مطلب که تنها خیر از ناحیه خداوند است روشن می شود که از آنجائی که منشأ هستی ها همه ذات مقدس پروردگار است و در عالم هر موجودی که سبب وجود موجودی یا کمال موجود دیگری می شود از خداوند است.

بنابراین همه خیرات از ناحیه خداوند است که در دعاها و تکبیرات نماز است که:

«الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ»

خداوند خیر تنها در دست تو است و هیچ گونه شر و بدی به تو بر نمی گردد.

رهائی از خطرات و حوادث

اما اقرار دوم: که از خطرات جهان بر حوادث و نتایج شوم اعمال زشت و ناروا بجز در سایه عنایت خداوندی و لطف او راه نجاتی نیست.

آنچه بطور اختصار باید گفت این است که: درست است که در این جهان امور بسیاری دیده می شود که گمان می کنیم به پناهندگی به آنها از گزند روزگار و پیش آمدها می توانیم خود را حفظ کنیم مثلاً از خطر سیل و طوفان به کوه پناهنده شویم همچنانکه پسر حضرت نوح پیغمبر وقتی نوح علیه السلام به او فرمود: ای پسرک من با من به کشتی سوار شو و یا کافرین مباش! در جواب گفت:

«سَاوِي إِلَى جَبَلٍ يَنْصُبُ عَلَيَّ مِنَ الْمَاءِ»^۱

یعنی: بهمین زودی در کوه قرار می گیرم که مرا از آب حفظ می کند!!

و نیز گمان کنیم که از خطر غرق در دریا به خشکی پناه می بریم همچنانکه در سوره بنی اسرائیل آمده است:

«وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ مِنَ الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا آتَاءَ فَلَمَّا

از این حقیقت غفلت نکنیم که نجات بدست خدا است و حافظ و نگهبان او است.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحْسَنَ اسْتَعْنَىٰ عَن عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحْسَنُ وَأَجْتَرًا عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضِكْ خَرَجَ عَن قُدْرَتِكَ»

(خدایا!) نه آن کسی که عمل خوب کرد، از کمکها و رحمت تویی نیاز شد و نه آن کسی که کار بد و نافرمانی کرد و رضایت تو را در نظر نگرفت از چنگ قدرت تو بیرون رفت.

هیچ کس از خدا بی نیاز نیست

در این دو جمله از دعا نیز به دو حقیقت بسیار عالی و ژرف اقرار و اعتراف شده است.

۱- اینکه هیچ کس و هیچ چیز در هیچگونه شرایطی از عنایت و لطف خداوندی بی نیاز نیست.

۲- چنین نیست که کسی که گناه و نافرمانی کرد بتواند خود را مثلاً با پناهندگی به قدرت دیگری از چنگ قدرت حق برهاند.

مطلب اول که اقرار به این است که حتی کسانی که نیکوکار بوده اند از لطف خداوندی بی نیاز نیستند بدین جهت است که اولاً- سراسر عالم آفرینش وابسته به عنایت حق بلکه عین وابستگی به ذات او است که اگر لحظه ای عنایت او زائل شود جهان نیست و نابود خواهد شد، چنانچه خداوند می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُمِيطُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَرَادَ اللَّهُ مِنْ أَخِيذٍ مِنْ بَعْدِهِ».

یعنی: همانا خداوند است که آسمانها و زمین را نگهداری می کند که مبادا زایل شوند (از جای خودشان پرت شوند و یا وجودشان دوام نیابد) که بر فرض از جای بلغزند، احدی جز او، آنها را نمی تواند نگهداری کند.

بر حسب مفاد این آیه و آیات دیگر و حکم عقل، دوام هستی و دوام آفرینش به دوام فیض است که بقول فیض کاشانی:

بأنك اللفظي زنده دارد آفرینش را
اگر نازی کند درهم فروریزند قالیها
و بقول ملای رومی:

هر زمان نومی شود دنیا و ما
بی خبر از نشو شدن اندر دنیا

در هر صورت نیکوکار و بدکار بلکه جمله عالم هستی هیچ کس و یا هیچ چیز در هیچ شرایطی- از عنایت و لطف خداوندی بی نیاز نیست.

ثانیاً- نیکوکاری و احسان نیکوکار از یکسو جز بسرمایه توفیق و عنایات الهی صورت پذیر نیست و از سوی دیگر بدون عفو و اغماض خداوندی قابلیت اینکه قبول شود و روسفید کننده باشد نیست که باید گفت:

پسند همان به که زلفش خورش
عذربه درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندیش
کس نتواند که بجا آورد
اما در رابطه با اقرار به مطلب دوم که کسانی که بخود جرات گناه می دهند و موجبات نارضایتی خداوند را فراهم می کنند از چنگ قدرت خداوند بیرون نیستند، بموقع دیگر و گفتار دیگر واگذار می کنم انشاء الله.

ادامه دارد

- ۱- سوره هود، آیه ۴۳.
- ۲- سوره اسراء، آیه ۶۷.
- ۳- سوره هود، آیه ۴۳.
- ۴- سوره اسراء، آیه ۶۸.
- ۵- سوره فاطر، آیه ۴۱.

• امیرالمؤمنین (ع):

«قِيلَ الْعُقُوبُ أَفْبَحُ الْعُيُوبِ وَالتَّسَرُّعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ»

(غررالحکم - ص ۵۳۷)

کم گذشتی از لغزشهای مردم زشت ترین عیبها
است و شتاب کردن در انتقام بزرگترین گناهان است.